به نام خداوند جان و خرد

درس: منطق — درس: اول — عنوان درس: منطق، ترازوی اندیشه

دبیر: رضایی راد — مدرسه: قاطعه زارع حسن / معرفت — تعداد صفحات: ۸

آن چه در این درس می خوانیم: ① آشنایی مختصر با آن چه در منطق خواهید خواند

② آشنایی با علم منطق و کاربردهای آن در زندگی ③ مغالطه ④ اقسام علم / ۱- تصور ۲- تصدیق

⑤ دو حیطه اصلی علم منطق / ۱- تعریف ۲- استدلال

① آشنایی مختصر با آن چه در منطق خواهید خواند. (این قسمت در صفحه ۲ کتاب درسی، تحت عنوان آن چه در این بخش می خوانیم؛ آمده است.)

توضیح مثال اول: استدلال ← ما در منطق استدلال ها را بررسی می کنیم، استدلال یعنی دلیل آوردن و از دو جمله یک نتیجه تشکیل شده است. به جمله اول (مقدمه اول) و به جمله دوم (مقدمه دوم) می گوییم. در این دو مقدمه باید یک (جزء مشترک) باشد که به این جزء مشترک (حد وسط) می گوییم؛ و نهایتاً برای نتیجه گیری حذف می شود.

قالب استدلالی مثال اول به شکل زیر است:

خداوند نور آسمان ها و زمین است. (نور معنوی)	نور با چشم قابل مشاهده است. (نور مادی)	پس: خدا قابل مشاهده است.
مقدمه اول	مقدمه دوم	نتیجه

اشکال استدلال: (نور) در هر دو مقدمه تکرار شده و حد وسط هست؛ اما دارای معانی مختلف در دو مقدمه است. در مقدمه اول، به معنای: نور معنوی است ← یعنی هر آن چه در آسمان ها و زمین هست وجود و هستی خود را از خدا دریافت می کند و به سبب وجود خداوند، پیدا و آشکار می شود. و در مقدمه دوم، نور به معنای ← نور مادی که قابل دیدن است مثل نور خورشید، نور چراغ و ... . پس نتیجه گیری این استدلال که گفته است: خدا قابل دیدن است؛ اشتباه است. به این گونه مغالطه در منطق: مغالطه اشتراک لفظ می گوییم. یعنی لفظ از نظر خواندن و نوشتن یکسان است اما دارای معانی مختلف است. با مغالطه اشتراک لفظ در درس دوم آشنا خواهید شد.

توضیح مثال دوم: قالب مثال دوم، قیاس استثنائی است ← یعنی قیاسی که خود نتیجه یا نقیض نتیجه در یکی از دو مقدمه ذکر شده باشد. و هم چنین این قیاس، اتصالی است چون واژه (اگر) بر سر مقدمه اول آمده است. در این گونه قیاسی، ۴ حالت می توان تصور کرد که از این ۴ حالت، فقط دو حالت معتبر و دارای نتیجه است که این دو حالت (وضع مقدم و رفع تالی است) و دو حالت نامعتبر و بدون نتیجه (رفع مقدم و وضع تالی) است. و این مثال هم ← رفع مقدم است و نامعتبر. (توجه: توضیحات ارائه شده برای مثال های کتاب، صرفاً به جهت آشنایی است و توضیحات تکمیلی در طی سال ارائه خواهد شد.)

قالب استدلالی مثال دوم به شکل زیر است.

اگر پرخوری کنم، مریض می شوم. (مقدم / تالی)	من پرخوری نمی کنم.	پس: مریض نمی شوم.
مقدمه اول	مقدمه دوم	نتیجه

ص ۱

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

مقدمه اول قیاس استثنائی، جمله شرطی است و مقدمه دوم قیاس استثنائی، قضیه حملی است. (با قضیه شرطی و حملی در درسهای بعدی آشنا می‌شوید). در مقدمه اول ← مقدم و تالی را پیدا می‌کنیم. (با مُقدّم و تالی هم در درس ۶ آشنا خواهید شد). مُقدّم یعنی: چیزی که اول جمله می‌آید و انجام دهنده یا عامل کار است.
تالی یعنی ← نتیجه‌ای که از کار بدست می‌آید. مثلاً: هوا که سرد شود، باران می‌بارد. (انجام دهنده یا عامل کار در این جمله سرد شدن هوا است و نتیجه‌ای که از سرد شدن هوا بدست می‌آید، باریدن باران است.)
مقدم در این قیاس: اگر برخوردی کنم / و تالی در این قیاس: مریض می‌شوم، است. حالا به جایگاه مقدمه دوم در مقدمه اول نگاه می‌کنیم و جایگاه مقدم در مقدمه دوم در مقدمه اول، مقدم قرار گرفته است. حالا به فعل نگاه می‌کنیم. فعلی که در مقدم مقدمه اول آمده با فعل مقدمه دوم همخوانی ندارد (فعل مقدم مقدمه اول، مثبت است اما فعل مقدمه دوم منفی است)، اگر فعل مثبت باشد ← رفع و اگر فعل منفی باشد ← رَفع می‌گوییم.
این حالت این قیاس ← رَفع مقدّم است و نامعتبر است؛ منطق اینکه استدلال کننده توجه نکرده است که مشابهت مریضی‌ها، از برخوردی نیست. می‌تواند از عدم رعایت موارد بهداشتی، ورزش نکردن و ... باشد.
و اگر کسی از این حالت رَفع مقدم در قیاس استثنائی اتصالی، نتیجه گیری کند، دچار مغالطه (رَفع مقدم) شده است.

توضیح مثال سوم: قالب استدلالی مثال سوم:

نام انسان	نام حشره	
پروانه دختر من است.	پروانه پرواز می‌کند.	دختر من پرواز می‌کند.
مقدم ۱	مقدم ۲	نتیجه

پروانه در هر دو مقدمه، حد وسط است اما از لحاظ معنایی متفاوت است و مغالطه اشتراک لفظ و مغالطه عدم تکرار حد وسط است. (مغالطه عدم تکرار حد وسط: حد وسط در هر دو مقدمه باید از نظر لفظی (املا و نوشتن) و معنایی یکسان تکرار شود و در صورتی که رعایت نشود دچار این مغالطه می‌شویم. با این مغالطه در درس ۸ آشنا خواهید شد.)

توضیح مثال چهارم ← یکی از قواعد عکس مستوی این است که قضیه موجبه کلی ⇐ موجبه جزئی است.
قالب موجبه کلی به صورت: هر الف ب است / و قالب عکس موجبه جزئی به صورت: بعضی الف ب است، می‌باشد.
(با موجبه کلی و موجبه جزئی در درس ۶ آشنا خواهید شد). مثال: هر گردو یک بر دار است ← بعضی بر دارها گردو هستند.
(عکس مستوی، موضوع، محمول)
اگر قاعده فوق را رعایت نکنیم دچار مغالطه ایهام انعکاس می‌شویم.
عکس مستوی یعنی اینکه در یک قضیه حملی ← جای موضوع و محمول عوض شود و فعل جمله را تغییر نمی‌دهیم و فقط در حالت موجبه کلی، آن را به موجبه جزئی برمی‌گردانیم. (با عکس مستوی و مغالطه ایهام انعکاس در درس ۷ آشنا می‌شوید.)
در مثال چهارم فرد استدلال کننده دقت نکرده است که ممکن است همه افراد متهم به اختلاس در این دادگاه محاکمه شده باشند ولی به این معنا نیست که هر کسی که در این دادگاه محاکمه می‌شود، متهم به اختلاس است و این فرد دچار مغالطه ایهام انعکاس شده است. صورت درست این جمله باید به این صورت باشد تا درست باشد:

		محمول	
همه افراد متهم به اختلاس	در این دادگاه محاکمه می‌شوند	← بعضی از محاکمه شوندگان در این دادگاه	متهم به اختلاس هستند.
موضوع	محمول	موضوع	

(عکس مستوی)

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

توضیح مثال پنجم ← هر انسانی یک تعریفی از سعادت دارد و آن انسان ها راه های متفاوتی را در پیش می گیرند به این علت است که در تعریف سعادت اختلاف نظر دارند و این سؤال، اهمیت تعریف کردن را می رساند. (با تعریف و شرایط صحیح تعریف کردن در درس های اول و چهارم آشنا خواهید شد.)

توضیح مثال ششم: به این مغالطه، مغالطه در اثر عوامل روانی می گویند. یعنی از نظر روانی بر ذهن مخاطب تأثیر بگذاریم. در این مثال فروشنده قیمت نیم کیلو را روی تابلو نوشته و خریدار تصور می کند که این فروشنده از بقیه مناسب تر حساب می کند. یکی از انواع مغالطه های در اثر عوامل روانی ← مغالطه بزرگنمایی و کوچک نمایی است که در این مثال ذکر شده است و با این مغالطه در درس ۱۰ آشنا خواهید شد.

(۲) آشنایی با علم منطق و کاربردهای آن در زندگی:

منطق ← علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است. (علم منطق مانند ترمز ماشین عمل می کند یعنی در هنگام تصادف استفاده از ترمز، باعث می شود به چیزهای دیگری برخورد نکنیم؛ استفاده از علم منطق هم همین گونه است و باعث می شود جلوی خطای ذهنی گرفته شود. دیگر تشبیهی که می توان استفاده کرد برای منطق ← نقشه های راهنمایی که بر گوشی های همراه نصب است که در این برنامه ها، سریع ترین و بهترین مسیرها به ما نشان داده می شود.

۲- کار منطق دانان چیست؟ نشان دادن راه های جلوگیری از مغالطه (خطای ذهنی) ← به چه صورت ← بررسی خطاهای ذهن / دسته بندی آن ها / مشخص کردن قواعدی که باید رعایت کنیم

۳- مغالطه چیست؟ هر گونه خطای ذهنی که می تواند عمدی یا غیرعمدی باشد.

۴- کاربرد (فایده) علم منطق یا علم منطق چگونه جلوی خطای ذهن را می گیرد؟

۱- بیان قوانین حاکم بر ذهن

۲- بیان روش های جلوگیری از مغالطات

۳- تأکید بر آموزش شیوه درست اندیشیدن

توضیح: استاد علم منطق قواعد کارکرد ذهن را به ما توضیح می دهد یعنی به ما می گوید که انسان چگونه فکر می کند و به نتیجه می رسد. در مرحله بعد انسان را با مغالطه ها آشنا می کند و راه جلوگیری از آن را هم نشان می دهد. اما چون تعداد مغالطات زیاد است قبل از آن که مغالطه ها و شیوه پیشگیری از مغالطات را آموزش دهد، بر شیوه صحیح فکر کردن تأکید می کند.

۵- قواعد و کارکرد ذهن

ذهن دارای قواعدی است که به طور طبیعی در آن وجود دارد؛ یعنی این قواعد را ما قرار نمی دهیم و این قواعد توسط منطق دانان کشف شده است (مثل قانون جاذبه نیوتن: که نیوتن وقتی زیر درخت سیب بود و سیب افتاد متوجه این قانون جاذبه شد و آن را کشف کرد، قواعد ذهنی هم همین گونه است و در عالم طبیعت وجود دارد که منطق دانان آن را کشف کرده اند).

۲- ذهن به طور طبیعی بر اساس این قواعد و اصول عمل می کند و فکر می کند، بدون آنکه حتی نام این قواعد طبیعی را بداند.

۳- تفکر انسان به صورت غیرارادی است (یعنی ما نمی توانیم جلوی تفکر کردن خود را بگیریم و فقط موضوع تفکر ما، ارادی و انتخابی است).

۴- ذهن با اینکه بر اساس قواعدی می اندیشد، اما همواره دچار خطا می شود و این اشتباهات معمولاً در دو مورد صورت می گیرد: ۱- در استدلال های پیچیده و ۲- در تعریف دقیقی که برای اصطلاحات خاص ارائه می دهیم.

تذکر: به قیدهایی که در کتاب و جزوه اشاره شده دقت داشته باشید مثل همواره، معمولاً که در جمله بالا خط کشیده شده است؛ چون در آزمون های آزمایشی از این قیدها برای به اشتباه انداختن داوطلب استفاده می شود پس متن را به دقت بخوانید.

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

۶- منطق علمی کاربردی است؛ یعنی چه؟ یعنی برای بدست آوردن مهارت در آن، نیاز به تمرین کردن دارد. مثل: آموختن نقاشی، خیاطی که باید تمرین کرد تا در آن ماهر شد.

۷- علم منطق، علمی ابزاری است؛ یعنی چه؟ علم منطق ابزاری در خدمت سایر علوم است یعنی از علم منطق در علوم دیگر استفاده می‌شود و به علوم دیگر کمک می‌کند تا فرآیند تفکر به درستی انجام شود. مثلاً در علم شیمی، قواعد و محتوای آن توسط خود علم شیمی بدست می‌آید؛ اما وقتی شیمی دانان می‌خواهند استدلالی را تعریف کنند یا استدلالی ارائه دهند از قواعد منطقی استفاده می‌کنند تا نتیجه تفکرشان صحیح باشد. (مثلاً یکی از شرایط تعریف صحیح این است که تعریف جامع و مانع و روشن باشد. با شرایط تعریف صحیح در درس ۴ آشنا می‌شوید).

از نظر ابزاری بودن علم منطق، این علم در کتاب به دو مورد تشبیه شده است:

(هر خودرویی دارای یک صفحه نمایشگر در مقابل فرمان ماشین است که موارد مختلفی را نشان می‌دهد و یا اگر مشکل و نقصی در خودرو باشد، نمایش داده می‌شود. این سیستم نحوه درست کار کردن ماشین را نمایش می‌دهد اما باعث حرکت خودرو نمی‌شود).

① سیستم های کنترلی خودرو

② شاقول بنایی: به کارگیری آن باعث می‌شود ساختمان مستحکم باشد و دیوار صاف باشد اما مصالح را در اختیار ما قرار نمی‌دهد.

⇐ پس: به کارگیری علم منطق باعث ایجاد بنای فکری مستحکم می‌شود؛ اما محتوای بنای فکری را در اختیار ما نمی‌گذارد

۸- تلاش دانش منطق چیست؟ نشان دادن بهترین، سریع‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر تفکر برای اینکه دچار خطا نشویم.

۹- ویژگی‌های مغالطه و تشبیهاتی که برای مغالطه به کار رفته:

۱- مانند بیماری است و باید سعی کرد که به آن مبتلا نشویم.

۲- بیماری‌های فکری هستند

۳: تعداد زیادی دارند

۴: نام دیگر آن سفسطه است.

۵: می‌تواند عمدی یا غیرعمدی باشد.

۱۰- شباهت علم پزشکی با منطق: همان طور که در علم پزشکی به شناخت بیماری‌ها می‌پردازند تا راه درمان و پیشگیری را بیان کنند در علم منطق هم به شناخت مغالطات می‌پردازند تا هم راه پیشگیری از مغالطات و هم راه درمان را بیان کنند.

از طریق بیان قواعد حاکم بر ذهن (منطق)

۱۱- حیطه کاربرد علم منطق ⇐ در همه زندگی کاربرد دارد. دانستن علم منطق برای فهم فلسفه مهم است اما فقط برای ارزیابی اندیشه‌های فلسفی نیست بلکه در سراسر زندگی کاربرد دارد.

چرا در همه زندگی نیاز به علم منطق داریم:

۱- برای درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن.

۲- برای متقاعد کردن دیگران در هنگام دلیل آوردن

۳- تا در یا دادن و یا گرفتن دچار خطا نشویم

۴- در داد و ستد و تجارت، فریب کلاهبرداران را نخوریم.

۵- تشخیص استدلال‌های درست از غلط

۶- به علت حجم انبوه اطلاعات و زیاد شدن رسانه‌ها، برای تشخیص اطلاعات درست نیاز به علم منطق داریم.

۷- اغلب آگهی‌های تجاری، نوعی استدلال هستند که با روش‌های مختلف، می‌خواهند مخاطب را به خرید کالا ترغیب کنند و برای تشخیص استدلال صحیح از غلط نیاز به علم منطق داریم.

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

نکته: استدلال آوردن و تعریف کردن، فقط در محیط آموزشی و در درس فلسفه نیست؛ بلکه ما با استدلال و تعریف در همه زمان ها و مکان ها روبرو هستیم.

(۴) اقسام علم ← تصور و تصدیق.

توضیح تصور ← هر آن چیز که در ذهن ماست.

در تصور یک مفهوم کاری به واقعی بودن یا واقعی نبودن آن نداریم. (مثلاً کتاب، درخت واقعی است و در عالم واقع وجود دارد و دیده می شود؛ اما بعضی از تصورات خیالی و ذهنی اند، مثل: دیو، غول، اسب تک شاخ).

در تصور، حکم و قضاوتی وجود ندارد، چیزی به چیز دیگری نسبت داده نمی شود، پس مفاهیم ارتباط برقرار نمی شود؛ هم چنین نمی توانیم بگوییم یک تصور مثل درخت، درست است یا غلط.

توضیح تصدیق ← وقتی که بین مفاهیم، ارتباط برقرار می کنیم.

در تصدیق حکم و قضاوت وجود دارد.

به صورت جمله است، خبری است و می تواند درست یا غلط باشد.

قالب تصدیق به شکل ← (الف ب است.) می باشد. (الف) موضوع است یعنی چیزی که درباره آن صحبت می کنیم.

(ب) ← محمول است یعنی صفت یا حالتی که به چیزی (موضوع) نسبت می دهیم یا از آن (موضوع) سلب می کنیم.

(است) ← بین موضوع و محمول، ارتباط برقرار می کند و به آن (نسبت یا رابطه) هم می گوییم.

مثال: (۱) جنگل (موضوع) سرسبز (محمول) است (نسبت)، (سرسبز بودن به جنگل نسبت داده شده است.

(۲) هوا (موضوع) سرد (محمول) نیست (نسبت) ← (سرد نبودن از هوا گرفته شده است.)

نام دیگر تصدیق: قضیه یا مرکب تام خبری است. (منظور از مرکب یا قضیه این است که، جمله باشد و فعل داشته باشد / منظور از تام یعنی کامل بودن (یعنی هر جا فعل داشت به طور قطعی نمی تواند تصدیق باشد که در قسمت بعدی توضیح خواهم داد. هر جایی که جمله و فعل داشیم و آن جمله کامل باشد، تصدیق است.) مثلاً: کتابی که خریدم ← با این وجود که فعل دارد و جمله است اما کامل نیست و مخاطب منتظر ادامه جمله است؛ پس تصدیق نیست.

اگر جمله به صورت (الف ب است.) نباشد آن را باید با دورش به این قالب درآورد ← یا کلمه (دارای) به محمول اضافه می کنیم یا به صورت (فعل معمولی) می نویسیم. مثل: (۱) فاطمه دوید ← فاطمه دونده است.

(۲) فاطمه کتاب را خواند ← فاطمه خواننده کتاب است.

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

راه‌های شناخت تصور از تصدیق :

۱- ترکیب وصفی (موصوف + صفت) : گل زیبا

۲- ترکیب اضافی (مضاف + مضاف الیه) : در کلاس

۳- عباراتی که با حرف (واو) پیوند داده شدند . ماه و خورشید

۴- عباراتی که با حرف (یا) از هم جدا شدند . زندگی یا مرگ

۵- عباراتی که ناقص هستند و ما منتظر ادامه و تکمیل سخن گوینده هستیم .

۶- جملات انشایی : یعنی جمله‌ای که خبری از عالم خارج نمی‌دهد و بیان کننده عواطف و احساسات ماست که شامل مواردی از این قبیل است : جملات امری (برو) / نهی : (میازار موری که دانه‌کش است) / استفهام (پرسشی) : (کجا به کوی حقیقت گذر توان کرد؟ ← یعنی : به کوی حقیقت نمی‌توان راه یافت / ندا : (سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز) تعجبی : (به به، عجب هوایی!) / تمنایی : خواهش می‌کنم بنشین / آرزویی : الهی گرونارشه‌کن شود .

۷- مقدم یا تالی جملات شرطی ← هر کدام از این دو جزء (یا مقدم یا تالی)، به تنهایی یک تصور هستند . مثل : اگر باران ببارد . خوشحال می‌شوم . نکته : (اگر مقدم و تالی جمله شرطی را با هم در نظر بگیریم، تصدیق است .)

مقدم (تصور) — تالی (تصور)

۸- عبارات طولانی (دقت کنید همیشه یک کلمه‌ای ها یا دو کلمه‌ای ها نیست، عبارات طولانی مثل : دانش‌آموزان دهم انسانی شهرستان تایباد ، در بزرگ مدرسه دبیرستان دخترانه فاطمه زارع حسن، تصور هستند؟ چون این عبارات ، ناقص هستند و ما منتظر شنیدن ادامه جمله گوینده هستیم .

تصور شامل

نکته مهم درباره بند پنجم ← دقت کنید که صرفاً جمله بودن، دلیل بر تصدیق بودن نیست . جمله‌ای که ناقص باشد و ما منتظر شنیدن ادامه جمله باشیم، تصور هستند؟ مثل : کتابی که خواندم ← این عبارت تصور است چون ما منتظر ادامه جمله هستیم که این کتاب چگونه بوده؟ مفید بوده؟ هیجان انگیز بوده؟ .

اما جمله : کتاب را خواندم / هوا سرد شد ← تصدیق است چون جملات مرکب تام خبری است و کامل و معنادار است .

و اما راهی ساده‌تر که فرق تصور و تصدیق را در این نوع جملات بدانید ← به اول جمله واژه (چرا) اضافه کنید، اگر معنادار بود ← (تصدیق است) و اگر بی‌معنا بود ← (تصور است) . مثلاً ① هوا سرد شد ← چرا هوا سرد شد؟ (معنادار است پس می‌شود : تصدیق)

② هوایی که سرد شد ← چرا هوایی که سرد شد؟ (بی‌معنا است . پس تصور است .)

سؤال : کدام گزینه تصور محسوب می‌شود؟ الف) دیروز به مدرسه رفتم ب) منطق روش درست اندیشیدن را می‌آموزد .

ج) دستیابی به موفقیت نیاز به تلاش مداوم دارد . د) لباسی که از فروشگاه خریدم .

با توجه به توضیحات فوق هم اکنون می‌توانید جمله‌ای که تصور است را پیدا کنید .

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

(۵) دو حیطه اصلی علم منطق: تعریف / استدلال ← تعریف و استدلال با اقسام دانش که تصور و تصدیق هستند، ارتباط دارند به همین دلیل اول به تصور و تصدیق پرداخته شد و بعد وارد مبحث تعریف و استدلال می‌شویم.

تعریف ← (۱) بخشی از تصورات ما معلوم (یعنی: آشنا، چیزی که ما به آن علم و آگاهی داریم، مثل: کتاب، درخت، خیابان) و بخشی از تصورات ما نامعلوم و مجهول هستند. (یعنی ما نسبت به آنها علم و آگاهی نداریم.)

(وقتی تصوری برای ما مجهول و ناشناخته باشد، به کمک تصورات معلوم، آن تصور مجهول را به معلوم تبدیل می‌کنیم یا به عبارتی دیگر: فرآیند معلوم کردن تصورات مجهول به کمک تصورات معلوم را تعریف می‌گوییم.

مثلاً فردی تصوری از نارگیل ندارد و می‌پرسد نارگیل چیست؟ ← این تصوری مجهول است، وقتی ما به کمک تصورات معلوم، به کمک می‌گیریم به این کار تعریف کردن می‌گوییم. مثلاً می‌گوییم: نارگیل نوعی میوه است

نکته: (۲) در بحث تعریف، ما از نظر منطقی ← یک معرّف و معرَّف داریم. معرّف ← اسم مفعول است به معنای مفهوم مجهول و ناشناخته و معرِّف ← اسم فاعل است به معنای مفهوم شناخته شده یعنی همان تصورات معلوم، و به کل این فرآیند (یعنی: مفهوم مجهول و مفهوم معلوم) تعریف می‌گوییم.

مثلاً: ماژیک چیست؟ یک وسیله لوازم التحریری که با آن روی وایت بورد می‌نویسند. ← تعریف

معرّف ← تصور مجهول — تصورات معلوم ← معرِّف

(۳) تعریف در پاسخ به چیستی، است ← یعنی وقتی از چیستی یک مفهوم سؤال می‌کنیم، برای جواب به آن تصور مجهول، از تعریف استفاده می‌کنیم. (اتفاقی مثل چیست؟ و یعنی: شناختن تصورند).

(۴) تعریف با تصورات مرتبط است.

استدلال ← (۱) استدلال با تصدیق ما مرتبط است / (۲) بخشی از تصدیقات، برای ما معلوم است و بخشی مجهول.

(۳) تصدیقات معلوم ← یعنی: ما به آنها آگاهی داریم و بوسیله آن ما، تصدیق مجهول را معلوم می‌کنیم.

(۴) تصدیقات مجهول ← یعنی: ما به آن ها آگاهی نداریم

(۵) استدلال یعنی ← وقتی تصدیق مجهولی داشته باشیم، به کمک چندین تصدیق معلوم، آن تصدیق مجهول را به معلوم تبدیل می‌کنیم؛ یا به عبارتی دیگر: فرآیند معلوم کردن تصدیق مجهول به واسطه چندین تصدیق معلوم را استدلال می‌گوییم.

مثلاً فردی نمی‌داند که آهن، رسانا است، برای این کار دو تصدیق معلوم ذکر می‌کنیم.

چرا آهن رسانا است؟ (تصدیق مجهول) — آهن فلز است (تصدیق معلوم ۱) — هر فلزی رسانا است. (تصدیق معلوم ۲) — پس: آهن رسانا است. (نتیجه (تصدیق جدید))

(۶) استدلال در پاسخ به سؤال (چرایی) است ← یعنی وقتی ما از چرایی یک مفهوم، سؤال می‌کنیم، برای جواب به چرایی یا همان تصدیق مجهول، از استدلال استفاده می‌کنیم.

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS

۷) کلماتی مثل: پس، بنابراین، لذا، چون، زیرا، برای اینکه، از آن جا که، بیانگر استدلال هستند.

۸) استدلالی که انجام می‌دهیم و تصدیق‌هایی که استفاده می‌کنیم، به دلیل رسیدن به حکم جدید است.

نکته: جمله‌های منطقی را با جمله‌های کاربرد منطقی اشتباه نگیرید. (جمله‌های منطقی، دو مورد است که شامل تعریف و استدلال است و جمله‌های کاربرد منطقی، یعنی فایده منطق در زندگی که شامل تمام زندگی می‌شود.)

سؤالات تشریحی

۱- کوشش منطق دانان برای اینکه انسان دچار خطای ذهنی نشود را توضیح دهید.

۲- کدام یک از موارد تصور و کدام یک تصدیق است؟

الف) بندر عباس شهر خلاق صنایع دستی ب) غار شکفت آذرشهر علی صدر همدان ج) پایتخت مذهبی ایران، مشهد است.

د) خراسان به علت وسعت زیاد به سه بخش شمالی، رضوی و جنوبی تقسیم شده است.

۳- مشخص کنید کدام یک از موارد زیر تعریف است و کدام یک استدلال؟

(الف) حمایت از کالای ایرانی یعنی حمایت از آینده جوانان کشور.

ب) اگر واکسن کرونا را بزنیم، از خودمان و از اطرافیانمان مراقبت کرده‌ایم و دچار بیماری شدید نمی‌شویم.

ج) فقط از فروشگاه ما خرید کنید چون بهترین کالاها را با بهترین کیفیت و کمترین قیمت در اختیار شما قرار می‌دهیم.

سؤالات تستی:

۱- در کدام گزینه حکم و قضاوت وجود دارد؟

الف) حکمی که عادلانه باشد. ب) حکمی که در تصدیق وجود دارد.

ج) حکمی که قاضی صادر کند د) آن حکم دیروز صادر شود.

۲- کدام گزینه با واقعیت داشتن یا نداشتن مفهوم کاری ندارد؟

الف) نگفتمت در بیان وصف جمالش ب) فلک درس کمالش کرده تلقین.

ج) در تماشا که قدم بودیم. د) ماه رویا روی خوب هم رهم.

۳- ذهن انسان چگونه استدلال می‌کند؟

الف) بوسیله نسبت‌ها و حکم‌هایی که در ذهنش میان برخی تصورات برقرار کرده، چیزی را به چیزی نسبت می‌دهد.

ب) بر اساس استدلال‌هایی که در ذهنش وجود دارد، تصورات جدیدی را می‌سازد که قبلاً برایش مجهول بودند.

ج) با کمک از انواع تصورات که برایش معلوم هستند، تصور جدیدی را به یک تصور مجهول نسبت می‌دهد.

د) از طریق تصدیقاتی که برایش از قبل معلوم هستند، تصورات ناشناخته و مجهول را شناسایی و تصدیق می‌کند.

Scanned with CamScanner
LIVEWORKSHEETS